

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۱ آذر ماه ۱۳۱۰ * (۲۲ رجب ۱۳۵۰)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بقیه شور ثانی و تصویب لایحه اصلاح قانون سجل احوال
- ۳) شور و تصویب لایحه اعتبار انبار غله
- ۴) شور و تصویب لایحه اعتبارات تأسیس کار خانه برق وزارتخانه‌ها
- ۵) اقتراع برای شرفیابی بمناسبت عید میث
- ۶) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه یازدهم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

- ۱- تصویب صورت مجلس] رئیس - آقای طهرانی
- طهرانی - قبل از دستور .
- رئیس - آقای دکتر ملک زاده
- دکتر ملک زاده - قبل از دستور
- رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست (اظهاری)
- نشد (صورت مجلس تصویب شد .
- بعضی از نمایندگان - دستور . دستور
- دکتر ملک زاده - بنده .
- رئیس - میفرمایند دستور .
- ۲- بقیه شور دوم و تصویب لایحه اصلاح قانون سجل احوال]
- رئیس - لایحه اصلاح قانون سجل احوال خیر اخیر
- کمیسیون داخله قرائت میشود :
- خبر کمیسیون
- کمیسیون داخله پیشنهاد آقای مؤید احمدی نماینده

* * عین مذاکرات مشروح پنجاه و ششمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)
دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده - قانین با اجازه - آقایان : آشتیانی - مجدذیانی - منتصم سنگ - عدل - میرزا بانس - یار علی - سید کاظم .
غائبین بی اجازه - آقایان : - هزار جریبی - تیمور تاش - دکتر امیراعلم - دکتر طاهری - سرمنفی قلی خان بیات - دکتر شیخ محمد علی میرزا دولتشاهی - حسعلی میرزا دولتشاهی - طباطبائی دیا - مصدق جهانشاهی - اسدی - دکتر سنگ - دادور - آصف طباطبائی بروجردی - عبدالحسین خان دیا - آقارضا مهدوی - وثوق - موقر - ملک آرائی - افسر - مسعود ثابقی - محمد ناصر خان قشقائی - قوام - حاج غلام حسین ملک .
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : حاج میرزا حبیب الله امین - لبقوانی - افخمی - احتشام زاده .

دفا تر مربوطه قید میشود لیکن این رأی فقط از نقطه نظر مقررات راجعه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود اوراقی که تا تاریخ اجرای اینقانون در محاکم عدلیه نسبت بانها رسیدگی بعمل آمده واحکام قطعی صادر گردیده وهمچنین اوراقی که در کمیسیونهای تجدید نظر برطبق قانون سابق مورد رسیدگی واقع شده و تکلیف قطعی آنها معین و رأی کمیسیونهای مزبور بموقع اجرا گذاشته شده است مشمول مقررات فوق نخواهند بود.

تبصره - اگر مأموری بر خلاف حقیقه و قانون شخصی را مورد تعقیب قرار دهد شخص ذینفع میتواند بموجب قانون ۲۳ امرداد ۱۳۱۰ به محکمه مربوطه شکایت نماید و در صورت ثبوت بهمان مجازات مقرر در ماده ۵ قانون مذکور راجع به مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه محکوم خواهد شد

رئیس - آقای دبا

طباطبائی دبا - در پیشنهاد آقای مؤید احمدی قید اینکه رأی کمیسیونهای مزبور بموقع اجرا گذاشته شده است نبود این قید در کمیسیون علاوه شده است بنده میخواستم از آقای مخبر کمیسیون توضیح بخواهم که مقصود از اجرا چیست؟ در صورتیکه رأی کمیسیونهای تجدید نظر در حقیقه حکم محاکم قضائی را دارد اجراء و عدم اجراء در قطعیت حکم هیچ مناسبت نیست مقصود از این اجراء چیست؟

محیط لاریجانی (مخبر) - کمیسیونهای تجدید نظر مدت قانونیش یکسال بوده است و در آن کمیسیون لوایحی که (چند نفر از نمایندگان آقا بلند تر بفرمائید) کمیسیونهای تجدید نظر مدت قانونیشان یکسال بوده است و از گذشتن آن یکسال کار هائی که در آن کمیسیون گذشته بموقع اجرا گذاشته لیکن بعضی کارها در این کمیسیونها بوده و ما بقیش بهمین کمیسویی که فعلاً در ماده ۹ مصرح است محول میشود و اشکالی هم ندارد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده اینجا از آقای وزیر داخله توضیح میخواستم

محترم را راجع بقسمت اخیر ماده ۹ قانون سجل احوال که قابل توجه و بکمیسیون ارجاع شده بود با حضور آقای وزیر داخله تحت شور و مذاقه قرار داده در نتیجه قسمت اخیر ماده مزبور بترتیب ذیل اصلاح شده اینک خبر آنرا تقدیم میدارد: اوراقی که تا تاریخ اجرای این قانون در محاکم عدلیه نسبت بانها رسیدگی بعمل آمده واحکام قطعی صادر گردیده وهمچنین اوراقی که در کمیسیونهای تجدید نظر بر طبق قانون سابق مورد رسیدگی واقع شده و تکلیف قطعی آنها معین و رأی کمیسیونهای مزبور بموقع اجرا گذاشته شده است مشمول مقررات فوق نخواهند بود.

رئیس - بوضعی که خاطر آقایان مسبوق است ماده

۸ و ۷ در شورنانی بمجلس آمد بعد دومرتبه برای اینکه پیشنهاد آقای اعتبار در ماده ۹ مورد توجه واقع شد بکمیسیون برگشت خبر دوم آذر کمیسیون داخله این قسمت را تصحیح کرده بود برای دفعه دیگر پیشنهادی قابل توجه شد و بکمیسیون اعاده گردید و این خبر خبرسیم کمیسیون است بنا بر این ماده ۹ را با اصلاحاتی که بتدریج در آن شده من حیث المجموع قرائت میکنیم و رأی میگیریم

ماده ۹ - نسبت باوراق هویتی که از طرف اداره کل نظام وظیفه یا اداره کل احصائیه و سجل احوال در هر حوزه اعم از مرکز و ولایات از حیث مقررات مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض واقع شود بوسیله هیئتی مرکب از حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده احصائیه و سجل احوال و یک نفر بانتخاب اداره نظام وظیفه و یک نفر معتمد محلی که با تصویب مأمورین مزبور دعوت میشود رسیدگی و راپرت آن با دوسیه مربوطه بطهران ارسال میگردد در مرکز هیئتی مرکب از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و یک نفر طبیب بانتخاب اداره نظام وظیفه و یک نفر طبیب بانتخاب صحیه کل مملکتی و مدعی العموم ابتدائی با نماینده او برابرت مزبور رسیدگی خواهد کرد و رأی هیئت فوق الذکر بکه با اکثریت قطعی خواهد بود ابلاغ و مدلول آن در روی ورقه هویت و در ستون ملاحظات

بعضی از نمایندگان - آقا بلند تر بفرمائید **ملک مدنی (در محل نطق)** - اولاً بنده يك توضیحی در اینجا میخواستم برای اینکه مبادا در حین اجراء و عمل باز اشکالی تولید شود گاهی قوانینی میگردد ولیکن در موقع اجراء مشکلاتی تولید میشود اینجا ذکر شده اوراقی که تا تاریخ اجراء این قانون نسبت بانها رسیدگی بعمل آمده واحکام قطعی صادر گردیده وهمچنین اوراقی که در کمیسیونهای تجدید نظر برطبق قانون سابق مورد رسیدگی واقع شده و تکلیف قطعی آنها معین و رأی کمیسیونهای مزبور بموقع اجرا گذاشته شده است مشمول مقررات فوق نخواهد بود. مقصود بنده این بود که این اوراقی که تا تاریخ اجراء این قانون در محاکم عدلیه بر له آنها رسیدگی و حکم صادر شده و آنها اجرا نشده خیلی از قسمت هائی است که اجراء نشده و مشمول این قسمت دوم نشده باشد خودتان مسبقاً که اوراقی از محاکم عدلیه صادر شده وهمینطور منتظرند که این قانون بگذرد و آنها را بموقع اجرا بگذارند این قسمت دوم مشمول قسمت اول نیست این را خواستم که حضرت عالی در مجلس توضیح بدهید که در موقع اجراء اسباب اشکال نشود (کلالی) - اجراء این جا چه معنی دارد؟ (این قسمت اخیر را که آقای محیط توضیح دادند معلوم شد که يك اوراقی است که در کمیسیون تجدید نظر ملاحظه شده و اجراء شده است در اینها حرفی نیست و يك اوراقی هم هست که از کمیسیون تجدید نظر بیرون آمده و اجراء نشده آنها هم میروند باین کمیسیون و اجراء میشود نظر بنده راجع باین اوراقی بود که از محاکم عدلیه صادر شده است بر له اشخاص آنها چون هنوز هم يك قسمت اجرا نشده است آنها مشمول این قسمت دو نشده باشد.

وزیر داخله (آقای منصور) - بطوریکه ملاحظه می فرمائید جمله اول راجع باحکام عدلیه است و نوشته احکام قطعی که صادر شده باشد قابل تجدید نظر نیست این مسلم است عبارت هم واضح است آنوقت آنقسمت

رأی کمیسیونهای تجدید نظر را تجزیه و جدا کردیم و گفتیم و همچنین اوراقی که در کمیسیون های تجدید نظر برطبق قانون سابق مورد رسیدگی واقع شده و تکلیف قطعی آنها معین و رأی کمیسیونهای مزبور بموقع اجرا گذاشته شده این بکلی جدا است از قسمت احکام عدلیه و احکام عدلیه وقتی که رأی قطعی صادر شده باشد دیگر قابل تجدید نظر نیست البته تمام شده ولی آراء کمیسیونها این طور نبوده برای این که يك دوسیه هائی است که در کمیسیونها رسیدگی شده است و تمام شده است بموقع اجرا گذارده شده آنها بهیچوجه منالوجه قابل تجدید نظر نخواهد بود ولی يك قسمت هست که ناقص مانده رسیدگی قطعی نشده با این که يك رأی داده شده و بلا تکلیف مانده از حیث اجراء آن رأی را میخواهیم چون موعد قانونی کمیسیون گذشته و دیگر نمیشود آن دوسیه ها را برطبق قانون سابق رسیدگی کرد مایمخواهیم تکلیف آنها هم معین شود و تمام بشود که مردم هم تکلیف خودشان را بدانند اگر این را قید نکنیم این اسباب زحمت مردم خواهد بود و مردم خودشان بی تکلیف خواهند ماند برای اینکه این دوسیه ها از دو سال قبل همینطور راکد مانده و این کمکی است برای حل این قضایا و این قسمت راجع به این قسمت است که اوراقی که در کمیسیونها آمده و آراء یا صادر نشده یا صادر شده مورد اعتراض است و در تحت رسیدگی بوده و مدت سرآمده. و این تصور میکنم واضح باشد

رئیس - آقای افسر

افسر - در آن قسمت که راجع به عدلیه فرمودند که جدا است یعنی مسئله اجرائیش و همانطور که آقای دبا هم اظهار کردند مدخلیتی در موضوع ندارد واقع هستیم ولی در قسمت دومش با توضیحاتی که آقای مخبر دادند قانع نشدم کمیسیون تجدید نظر در مدت یکسال رسیدگی کرده و قطعاً يك چیزی نوشته اما این که بموقع اجرا گذاشته نشده نمیدانم یعنی چه نوشته این مشمول است یا نوشته

مشمول نیست اگر نوشته است مشمول نیست آن را گوش نداده است نظام وظیفه و او را برده است این يك فرض است فرض دوم این است که نبرده اندش اگر نبرده اند این را از کجا بفهمیم که اجرا شده یا نشده ممکن است تا حالا بگوئیم که اجرا نشده چون برای خودش راه می رود و حکمی دستش نداده اند از طرف نظام وظیفه که این بدانند اجرا شده است یا نه مبنای اجرا چیست در اینجا بنظر بنده آن هم باید نوشته شود که اگر قطعی نشده والا کلمه اجرا نشده معنی ندارد و اجرا هیچوقت مداخلت در ذات حکم ندارد اگر حسابی است این حکم که باید اجرا کرد خواه اجرا شده باشد خواه اجرا نشده باشد اگر حرف حسابی است و اگر حرف نا حسابی است آن يك امر دیگری است والا یکسال يك مأمورینی از طرف دولت معین شده اند و رسیدگی کرده اند و حکم قطعی داده اند آنکه میفرمایند مورد اعتراض واقع شده آن از حکم قطعی خارج است و قطعی نیست قطعی وقتی است که مراجعش را مطابق قانون مصوبه طی کرده باشد اگر طی کرده است قطعی است ولو اجرا شده یا نشده باشد اگر طی نکرده مدارج قانونی را آنطوری که میفرمایند یعنی ناقص مانده آن مطلبی است علیحده این را خوب است که توضیح بدهند والا کمیسیون تجدید نظر يك کسی را گفته است که مشمول نیست خوب این اجرا نشدنش چه چیز است یعنی باید از طرف نظام وظیفه تصدیق شده باشد معنی این است یا خیر؟ والا الان توی خانه اش این شخص نشسته و میگویند اجرا نشده این حکم بنده نمیدانم سند اجرا را از کجا باید پیدا کند اگر نبرده اندش و گفته اند مشمول نیست این که سند اجرا ندارد جز این که حکم قطعی بهش داده اند سند دیگری ندارد حکمی جای دیگر نوشته اند مثل احکام عدلیه نیست که بمأمور اجرا بنویسند که این حکم را اجرا کند ما که در این قانون مأمور اجرائی سراغ نداریم خوب است برای این که اشکالات پیش نیاید توضیح بدهند والا ممکن است برای هر کدام از آنها

انقدر حاشیه ها و تفسیرها در ولایات بشود که اسباب معطلی و سرگردانی مردم بشود این مردمی که برای جانبازی حاضرند و برای خدمات دولت اینطور حاضرند واقعاً بدانند که پسرشان مشمول هست یا مشمول نیست و دنبال کارش برود اینهمه در کمیسیون معطل شده تازه نمیدانند چه بکنند بنظر بنده خوب است توضیح بفرمایند که مقصود از اجرا شدن و اجرا نشدن در این کمیسیون تجدید نظر چیست؟

رئیس - آقای اعتبار.

اعتبار - فرمایشات آقای افسر صحیح است ولی بنده میخواستم خدمتشان عرض کرده باشم اجرا موقعی است که ورقه سجل احوال کسی که مورد اشکال بوده بان کمیسیون تجدید نظر رفته و اصلاح شده یعنی سن عوض شده بکمیسیون که رفته و مورد اشکال بوده در موضوع سن رفته است به آن کمیسیون و آن ورقه را عوض کرده و عوضش را هم بدستش داده اند. این اجرا است (افسر هیچ این کار را نکرده اند) چرا يك دوسیه های دیگر هست که رفته است به کمیسیون و بالاخره در آنجا مطرح شده است و این ورقه را عوض نکرده اند این اجرا نشده است اینها آنهایی هستند که قابل تجدید نظرند و البته آن دوسیه هایی که سجل را عوض نکرده اند مورد اشکال است و باید تجدید نظر بکنند و بنظر بنده خیلی هم محدود است و قابل اشکال نیست و باید موافقت کرد با آن

وزیر داخله - بنده فرمایشات آقای اعتبار را میخواهم

با این توضیح تکمیل کنم که خاطر آقای افسر هم متوجه شود این کمیسیونهای تجدید نظر که ما اظهار میکنیم این جا اصلاً در قانون سابق ذکری از کمیسیون نیست اختیاری است که با اداره سجل احوال میدهد (صحیح است) اداره سجل احوال بر طبق دستور خود ما برای اطمینان يك کمیسیونی تشکیل داد بنا بر این که فرمودید که رأی که صادر شده است اجرا و غیر اجرای آن چه معنی داشت باید عرض کنم که آن کمیسیون مأمور اداره است این

کمیسیونی که ما الان در قانون نوشته ایم آن کمیسیون قانونی است و البته محکمتر و مطمئن تر است آن کمیسیون وظیفه اش این بود که تحقیقات کرده با اداره راپرت بدهد بنا بر این ممکن است کمیسیون رأی داده باشد ولی رأی قطعی نشده باشد برای این که ممکن است اداره رأی آن کمیسیون را قبول نکرده باشد ملاحظه بفرمائید پس ما این قید قطعی و اجرا شدن را که این جا گذاشتیم برای این است که معلوم شود که آن رأی هایی که داده شده و بجزریان افتاده دیگر قابل تجدید نظر نباشد ولی يك رأی هایی که داده شده يك راپرت هایی که داده شده و مبهم است برای اینکه دیگر قطعی شود و میخواهیم بشوئیم و پاک بکنیم بگذاریم کنار و تصور میکنم که اشکالی نداشته باشد.

بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

شریعت زاده - اجازه میفرمائید.

رئیس - آقای شریعت زاده با کفایت مذاکرات مخالفید؟

شریعت زاده - بنده نظری داشتم خواستم عرض کنم

اگر اجازه میفرمائید

جمعی از نمایندگان - بفرمائید.

شریعت زاده - توضیحی که الان آقای وزیر داخله

تذکر دادند اهمیت دارد برای اینکه معلوم میشود يك

اشتباهی در کمیسیون شده است (یعنی در کمیسیون داخله)

که کمیسیونهای منعقد در سابق را يك حیثیت

قضائی داده اند در صورتیکه آن کمیسیون بنظر بنده يك

مؤسسه قانونی شناخته نمیشد زیرا که قانون سابق هیچ

تجویز نکرده است برای وزارت داخله یا اداره سجل

احوال که يك عده را معین کنند و آنها نظر بکنند و

با خود اداره سجل احوال است و چون مطابق اطلاعاتی

که خود بنده دارم در آن کمیسیونهایی که تشکیل شده

اشتباهات زیاد شده بود آقایان حالا میخواهند قطعیت

نظر آن کمیسیون را قبل از اجرای آن از طرف اداره سجل

احوال تصدیق بکنند بکنند که يك کسی نسبت بان تصمیم کمیسیون

اعتراض داشته باشد این است که بنده خواستم عرض کنم اگر ممکن باشد بهمان ترتیبی که در قانون سابق ذکر شده است که دولت یعنی اداره مربوطه این حق را داشته باشد که نسبت به تصمیمات آن کمیسیون قطعیت را تصریح بکند نه هر چیزی که يك کمیسیونی که مجوز قانونی برایش نبوده اعمال بکند و حکم بدهد این را خواستم به آقای وزیر داخله عرض کنم.

وزیر داخله - این نظر آقای شریعت زاده البته

همینطور است که فرمودند در قانون سابق بنده عرض

کردم که لفظ کمیسیون نبوده است و این کمیسیون ناشی

از اجرای قانون است که يك حقی برای اداره احصائیه

بوده است و بموجب دستور آن اداره بوده است و این

عمل را هم کمیسیونها کرده اند و نظر کمیسیون مراجعه به

اداره احصائیه شده و این را هم در این جا ذکر کردیم

که واضح باشد و تصور میکنم نظر آقایان هم تأمین میشود

با این توضیح.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم به مجموع قانون با اصلاحاتی

که در ماده ۹ شده بود و مجموع اصلاحات را

جمع کردیم و قرائت شد موافقتن قیام فرمائید (عده قیام

نمودند) تأمل بفرمائید (پس از شماره ثانوی) تصویب

شد.

[۴ - شور و تصویب لایحه راجع باعتبار مخارج و

عایدات انبار غله]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع بعایدات انبار

غله مطرح است. قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون بودجه باحضور آقای وزیر مالیه لایحه

پیشنهادی دولت تحت نمرة ۲۵۳۳۹ راجع بعایدات

انبار غله مزکری را مطرح و مورد مطالعه قرار داده با

توضیحاتی که آقای وزیر مالیه بیان نمودند کمیسیون با

ماده واحد پیشنهادی موافقت و اینک راپورت آنرا برای

شور و تصویب مجلس مقدس تقدیم میدارد:

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود عایدات ۱۳۱۰ انبار غله مرکزی را بابت اجناس مؤسسه ارزاق سابق که در حدود هفتاد و پنج هزار تومان بیس بینی شده است جزو عایدات ۱۳۱۰ بودجه مملکتی بخزانة دولت منتقل نموده و معادل مبلغ مذکور بر اعتبارات بودجه همانسال خود افزوده و از آن محل کلیه مصارف مربوطه بانسال انبار غله را بپردازد.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - گرچه آقای وزیر مالیه در کمیسیون بودجه توضیحات دادند ولی بنده میخواستم که این جا توضیح بدهند که مقصود از این عایدات چیست و اجناسی که هست در انبار از چه قبیل اجناس است و عایدات آنها این مبلغ شده است

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - توضیحش را تقریباً وقتی که لایحه را تقدیم کردم عرض کردم که این لایحه اصلاح ترتیب قانونی کار است نه یک تقاضای جدیدی است و نه یک اضافه و یک کسری همان عملی است که الان میشود بنده چندین لایحه از این نوع لوايح تقدیم کردم که یک عمل جاری است که وقتی دقت میشود می بینم که کاملاً مطابق ترتیب قانونی نبوده است میخواستم اصلاحش بکنم و یک لایحه می آورم که ترتیب کار را مطابق قانون کنیم و ادارات دولتی مطابق قوانین رفتار کنند. آقایان مسبوق هستند که یک ارزاقی در مملکت بود یعنی در طهران و این یک مقدار جنسی داشت در سال گذشته بنامد که ارزاق را منحل کنند جنسی هم که متعلق به ارزاق است یعنی جنسی که در انبار از سالهای قدیم بوده است این را جنس ارزاقی فرض میکردیم یعنی جنسی که مال ارزاق است و ارزاق را مثل یک شخص خارجی فرض میکردند آن اداره ارزاق به دولت يك وقتی چندین میلیون مقروض بود بواسطه سال مجامه که اقدامات فوق العاده کرده بود اداره ارزاق از خزانه دولت قرض گرفته بود و خرج کرده بود برای اینکه مجامه پیدا نشود عرض کنم سال مجامه نبود سالی بود که اگر اقدامات فوق العاده نبود

مجامعه میشد و ارزاق کم می آمد بعد از آن سال آنچه را که از این جنس می فروختند تا پارسال بلکه تا امروز همه را باین قرضشان میدهند بعد از آن که تمام آن جنس فروخته شد و تمام شد باز آن قرض تأدیه نمیشود برای اینکه در آن سال از ممالک بعیده جنس آوردند و البته فداکاری شد ولی این يك قسمت مهمش تا حالا رد شده است و در هم میشود پارسال وقتی که بنده در وزارت مالیه آمدم تقریباً نود هزار خروار از این جنس ارزاقی موجود بود ولی چون اداره انبار قدری بسط داشت و لازم نبود خواستیم دست و پای این کار را جمع کنیم و حتی الامکان منقح و مصفی کنیم و برای همان کارهایی که لازم است اجرا بشود يك دائره بس بود پس از یکماه دو ماهه دائره انبار را کوچکتر کردیم بعد هم يك بودجه درست کردیم که باز همان بودجه را کفایت تا چهار ماه عمل کنند و بعد از چهار ماه باید نصف بشود و امسال هم باز کم کردیم و بودجه آنرا هم جزء مالیه طهران کردیم و اگر جنس ارزاقی در انبار نبود هیچ اصلاً نه اعتباری میخواستیم و نه احتیاجی برای این کار داشتیم و بودجه انبار جزء همان بودجه معمولی قانونی که از مجلس هم گذشته است در بودجه اداره مالیه طهران هست و خرج جدیدی تقاضا نشده و اصلاح قانونی لازم دارد و هر جنس جدیدی که می آید آنرا در انبار دیگر میریزند و ترتیبی دارد وارد و صادر میشود ولی چون برای آن جنسی که باقی بود يك قدری وسعت لازم بود که مأمورین جدیدی داشته باشد عملشان بر این جاری بود همچو فرض کرده بودند که این جنس ارزاقی را در چهارده تومان مال دولت است وقتی می فروشد به بلدی به پانزده تومان می فروشد یعنی یکتومان علاوه می فروشد و آن يك تومانی را مخصوص مخارج خودشان قرار داده بودند و پنجقران هم برای حملی و بوجاری که در حقیقت برای انبار پانزده تومان و نیم عاید میشود ولی چهارده تومان آنرا میدهد از بابت قرضش اگر بنا باشد همه اش را بخواهد بدهد بابت قرض عایدات دولت است و مال انبار و مال دولت یکی است ولی باید

پنجده هزار تومان اعتبار بگیرند برای مخارج این را اینطور ما در نظر گرفتیم و اینکار هیچ عیبی نداشت مادامی که اداره ارزاق بود و يك مؤسسه بود ولی حالا که ارزاقی نیست و اداره انبار جزء اداره مالیه طهران است در اینصورت ما تصور کردیم که صحیح نیست یا صلاح نیست که چیزی بردارند و خودشان خرج کنند بکلی آنچه که بر میدارد می رود جزء عایدات و میدهد بوزارت مالیه و مجلس هم اعتبار میدهد بوزارت مالیه که فلان مقدار برای انبار خرج بکند و اینکار در واقع يك چیز سهل و ساده است که برای اصلاح ترتیب قانونی این کار است يك مطلب دیگر که شاید بعضی از آقایان در نظرشان بیاید و بنده باید توضیح و جواب عرض کنم این هفتاد و پنج هزار تومانی که حالا آقایان ملاحظه میکنند این اصل مخارج انبار نیست مخارج انبار شاید نك این باشد ولی از اول امسال ما مشغول شدیم برای اصلاحات خیلی مهم و اساسی در انبار که الان بحمدالله تمام شده است و خیلی هم خوب شده است بدرجه که میتوانم عرض کنم که هر يك از آقایان که تشریف میبرند ملاحظه کنند خیلی موجب رضایت است و آن این است که يك انبار خیلی بزرگ جدیدی ساختیم انبارهای قدیم لوله کشی شده است ماشین های بوجاری آورده ایم بقدر بیست و دو تا ماشین بوجاری بخاری تهیه شده است تمام لوازم اطفائیه تهیه شده است هر چیزی که ممکن است در کمال دقت و صحت و نظافت تهیه شده است و برای این کارها که يك باره خرجهای اتفاقی شده است خرج را سنگین کرده است و از اول سال که خرج انبار را بگذاریم جزء بودجه این مقدار هم لازم نخواهد بود و جزء اداره مالیه طهران میشود و شاید يك نك با شاید قدری هم کمتر مخارجش خواهد شد.

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - يك قسمت از سئوالی که بنده داشتم در ضمن فرمایشات آقای وزیر مالیه حل شد ولیکن در

اینجا راجع به مخارج فرمودند جزء بودجه مالیه طهران آمده است در صورتیکه جزء بودجه آمده چه ضرورت دارد که در اینجا اجازه قانونی گرفته شود بنده تصور میکنم این قسمت دیگر زائد باشد يك چیزیکه در بودجه آمده است دیگر ضرورت ندارد جزء يك لایحه بیاید و تصویب ثانوی بشود که بعد ممکن است ایجاد يك اشتباهاتی بکند در قسمت دیگر خواستم از آقای وزیر مالیه در باب انبار و آن اظهاراتی که کردند در این ضمن سئوالاتی بکنم این بود که خواستم به بینم در طی رسیدگی ایشان آیا معین کرده اند که کلیه خساراتیکه از حیث خرید و فروش بهر عنوان که باشد اعم از جلوگیری از مجامه یا هر چه که باشد در این مدت چه بوده است و برای تفاوت آن برای اینکه موافقت بکنند با اصل بودجه چه تصمیمی اتخاذ کرده اند که معین شود چه محلی را برای آن تأمین کرده اند ممکن هم هست خسارات را جبران کرده باشند و خسارتی وارد نیامده باشد ولی البته توضیح خواهند داد بنده نمیخواهم در قسمت دیگرش وارد شوم حالا که فرمودند قیمت گندم پانزده تومان و نیم معین کرده اند و چهارده تومان بحساب میآمده است و پانزده قران مصرف دیگر میشود البته يك نظری در اینجا بوده است تصور میکنم که اگر در این باب هم بذل توجهی بفرمایند علت نداشت وقتیکه در طهران خرواری نه تومان ده تومان است باین قیمت بخورد مردم داده شود بهر صورت البته يك مقتضیاتی بوده و اگر مصلحت میدانند توضیح بفرمایند.

وزیر مالیه - اینکه میفرمودند جزء بودجه آمده است بنده عرض نکردم که جزء بودجه آمده است اگر جزء بودجه آمده بود که دیگر این اصلاح را لازم نداشت عرض کردم که آنچه جنس ارزاقی برای انبار وارد شده تا آخر سال یعنی تا مرداد سال آینده کاملاً تمام میشود ولی يك عمل هم جاری است که بودجه اش هم جزء بودجه اداره مالیه طهران است و خواهد بود الان هم جزء بودجه اداره مالیه طهران است و آنوقت هم خواهد بود برای آن چیزی لازم نیست ولی حالا آن جنس قدیم موجود

است و بتدریج صادر میشود در تمام میشود برای این. رسمشان این بوده عملاً که این را از همین محل اخذ میکرده اند چون سابقاً ترتیبش هم ترتیب قانونی بوده است سابقاً خود اداره ارزاق اینکار را میکرده از وقتی که اداره ارزاق منحل شد در واقع يك همچو قانونی میخواستیم که آنچه که از آن محل خرج میشود از خودش برداشته نشود آن برود بخزانة ودیاره جزء بودجه بیاوریم این است که تقاضا کرده ایم آنچه که اینجا حاشیه که قائل میشوند آنرا بخزانة رد میکنند و همان میزان را هم در بودجه وزارت مالیه اعتبار اضافی فرض کنیم ما که از اینجا داده شود. اما راجع باینکه در انسانی که کم بود کم یابی داشتیم و خوف قحطی بود مبالغی از خزانه دولت خرج شد و حالا چقدرش رد شده چقدرش رد نشده اگر عدد دقیق آنرا بخواهید بنده ممکن است بیاورم بمجلس اگر علاقمند و مقید باشند عرض کنم ولی همینطور که عرض کردم عدد دقیقش را نمیدانم يك مبلغی بهر حال باقی میماند شاید قریب دو میلیون باقی میماند (آنقدری که در خاطر هست) اما راجع باینکه برای اصلاح این یا برای جبران این چه فکری کرده اند هیچ فکری نکرده اند و بنظر بنده لازم هم نیست فکری بشود برای اینکه حالا متعلق بچند سال قبل است در آنسال دولت برای جلوگیری از قحطی اقداماتی کرده است بقین دارم هر کس وجدانا بخواهد قضاوت کند تصدیق خواهد کرد که آن اقدامات صحیح و بجا بوده است چون باید جلوگیری بکنند از قحطی ولو اینکه دوبرابر آن هم مخارج میشد يك وقتی در اینجا صحبت شد که خرج بیقاعده شده است و گران خریدند آن جنس را این گناه است ولی خود اینکه اصلاً کسی بگوید چرا خرج کرده اند این صحیح نیست البته اینرا هیچکس نمیگوید البته اگر کسی اینرا يك وقتی گفته است عقیده اش این بوده که مثلاً بیانزده تا اتمبیل هم میشد حمل بکنند و این را بیشتر یا کمتر میکردند بهتر بود ولی خرج شده است و برای خرج شدن اگر هم نمی توانستیم از

همان محل يك مبلغ آنرا پس بدهیم باز هم بنظر بنده جای ایراد نبود ولی البته دولت وقتی دید که يك جائی يك سال خوف قحطی است و ممکن است غله بصد تومان تمام شود و در آنصورت يك فدا کاری دولت بکند از خزانه دولت یعنی خزانه دولت همان مال ملت و رعیت و مالیات است از اینجا يك مبلغ زیاد تری بر میدارد میگذارد روش برای اینکه مردمی که باید بصد تومان نان بخورند به بیست تومان بخورند خیلی خوب این را همینطوریکه خود آقای ارباب میگویند در این صورت دولت واقعاً ذبح بود که در چند سال دیگر اگر هم ارزان بود يك چیزی روی آن بگذارد برای اینکه آنرا استرداد بکند و این کار را نکرده اند چیز زیادی روش نگذارده اند و قصد هم این نبود که غله را به سی تومان یا چهل تومان بفروشند و يك چیزی روش بگذارند تا میزان پر شود اینکه میفرمایند چه فکر کرده اند اگر قرار بود فکری بکنند باید این کار را بکنند که خرواری سی تومان چهل تومان بفروشند تا اینکه پر شود اینکار را نبایستی بکنیم و نکریم اما قیمت معمولی غله هم در حدود چهارده، پانزده، شانزده، هفده تومان بود تا پارسال و از پارسال است که تنزل فوق العاده پیدا شده است يك قرار دادی بسته شده که غله را انبار میفروشد خود انبار نان را معین نمیکند مالیه معین نمی کند و نمیگوید چند بفروشید این را ببلدیه و اگذار کرده و بلدیه هم البته موازینی در دست دارد که اینرا باید ببیند چقدر مخارج لازم دارد و يك قدری از خارج میآورند از قراری که صحبت میکنند و بنده شنیده ام میگویند خود جنس طهران بنهائی نمی تواند نان صحیح بدهد و باید بکفست از خارج بیاورند و داخلش بکنند و همیشه اینطور بوده میزانش در دست بنده نیست برای اینکه کار بلدیه با وزارت مالیه نیست ولی البته آنها يك موازینی دارند و این را باین ترتیب معین کرده اند و این يك تومان همیشه منظور بوده یعنی پنجقران برای حامی و همینطور بوجاری اضافه می کرده اند و این یکتومان را اگر غله را بهشت تومان ده

تومان هم که بدهند باز باید آن یکتومان یا پنجقران را اضافه کنند اما اینکه ضرر آن سال بکلی جبران شود این را بنده میدانم که بکلی نخواهد شد ولی معذک برای همین اقدامات که يك قدری غله را تا آن مدتی که قیمتش بالا تر بوده بالاتر فروخته اند و آنوقتی که نازلتر بوده يك قدری از قیمت نازل بیشتر فروخته اند بهمین واسطه نصف شاید بیشتر از نصف آن ضرر جبران شده است و اینهم در مرداد سال آینده بکلی تمام میشود ما هم از کار ارزاقی راحت میشویم حالا هم شاید بیشتر از چهل یا چهل و پنج هزار خروار موجود نباشد

جمعی از نمایندگان - کافی است

ارباب کبخسرو - اجازه میفرمائید

رئیس - نوبه آقای ملک زاده است

دکتر ملک زاده - بنده در اول جلسه اجازه خواسته بودم که راجع باب عرضی کرده باشم پیش آمد لایحه سبب شد که راجع بنان عراض خود را بکنم يك قسمتی که آقای وزیر مالیه فرمودند راجع با اقدامات دولت در جلو گیری از قحطی بمقیده بنده البته قضاوت عمومی و تمجید عملیات خوب بهترین مشوقی است که دولت را بکار های خوب هدایت میکند و جای تردید نیست که اگر ما مقایسه کنیم وضعیت قحطی گذشته را ۱۸۹۶ با وضعیتی که چند سال پیش از این پیش آمد با وجود اینکه از نقطه نظر وضعیت طبیعی و فلاحتی خیلی بیشتر در سستی بودیم می بینیم که عملیاتی که دولت برای رفاهیت عامه کرده بود چقدر مؤثر و نافع بود در آن وقت در قحطی پیش دولت بدرجه ضعیف بود که موفق نمیشد برنج زیادی که در مازندران و رشت بود بیاورد در طهران و بمردم بدهد ولی در این سختی اخیر دولت موفق شد که از استرالیا مقداری گندم بخرد و بوسائل سریع حل بکند و بیاورد و جلو گیری از تلفات بشود حقیقه این موجب همه نوع تشکر است و امیدواریم که دیگر مملکت گرفتار قحط و غلا و بدبختی نشود ولی چیزیکه بنده میخواستم عرض کنم این است

که این مساعدت کم کم دارد خیلی گران تمام میشود یکی آن بود که آقای ارباب فرمودند و بنده در اینموضوعها وارد نمیشوم ولی قسمت دوم این است که الان یکسال و بلکه دو سال است که انبار همه روزه مقدار زیادی جنس پوسیده که بکلی دارای ماده غذائی نیست (خنده و کلاء) بر آن مقدار جنسیکه خباز خانه میدهد اضافه میکند بعنوان جبران خسارات وارده در آنسال بنده میخواستم تذکر بدهم که چه نتیجه وزارت مالیه تصور میکند بدادن این جنس اولاً این ماده که میدهد غذائیت ندارد، هیچ فرق نمیکند يك بدنی که محتاج بيك سیر ماده نشاسته است ما بیائیم ده سیر يك ماده که غذائیت ندارد داخل کنیم و باز همان يك سیر را داشته باشد تا اینکه بتواند بدنش تغذیه بکند بنده عقیده ام بر این است که مالیه اگر جبران خسارت بکند باز بقیمت گندم بیفزاید بهتر است تا اینکه بیاید يك ماده که نافع نیست و شاید بلکه بطور قطع از نقطه نظر حفظ الصحه هم موفدی و مضر است این را ما بیائیم اضافه کنیم بکنند خواستیم این نکته را متوجه شده باشند و توجه وزارت مالیه را معطوف باین قسمت بکنم که برای تکمیل آن مساعدتهای گذشته دولت از این مقدار گندم پوسیده خراب شده هم خوبست صرف نظر بکنند و اینمساعدت را بر مساعدتهای سابقش اضافه بکنند و تمام اهالی این شهر را متون بکنند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - بنده خیلی دلم میخواست البته هیچ بحث و ایرادی نیست برای بکنفر از اعضای مجلس شورای ملی که هر چه میخواهد بگوید ولی هر انسانی البته تکلیفش این است که هر چه میداند مسلم است بگوید خیلی دلم میخواست آقای ملک زاده بفرمایند از روی چه اطلاعی این حرف را میزنند بنده حاضریم خودم شخصاً از همین جا همین آلان یعنی نیمساعت بعد از این با حضرت عالی با اتمبیل بروم انبار دولتی بشرط اینکه خواهش میکنم از حضرتعالی که در جلسه



آینده تشریف بیاورید اینجا و یکی یکی آنچه که دیدید بگوئید که این حرفهائی که فرمودید يك حرفش هم اساس نداشته است و اشتباه کرده اید (خنده نمایندگان) حضرتعالی از روی سوء نیت نمیفرمائید از روی اعتقاد میفرمائید ولی بنده که رفته ام و تمام را دیده ام اطمینان میدهم به مجلس و اطمینان میدهم به عامه مردم که در این انبار جنس بد هیچ وجود ندارد بنده خود دیده ام با چشم خود و حالا اگر بخواهید بنده را تکذیب بفرمائید و ثابت کنید که اینکه عرض میکنم درست نیست بسیار خوشوقت میشوم و يك جاوزه هم از خودم تقدیم میکنم پآن کسیکه این را برای من ثابت بکنند و با من بیاید بروم نشان بدهیم بنده گفتم اگر آن جا جنس بد باشد آتش بزنید (صحیح است) خودم حکم دادم. نان حساس ترین چیز مردم این مملکت است (صحیح است) رعایا و ملت فقرا همه مردم بیش از هر چیزی نان لازم دارند اگر نان خوب هم ندهیم پس هیچ بنده حاضرم اگر همچو چیزی باشد ما بسر کار قول میدهم حکم بدهیم که آتش بزنند جلو چشم شما این است که نمیخواهم اینجا همه حرفی را بزنم بله جنس بد بود ما تمام را خارج کردیم بعنوان فضولات بگاودار ها فروختیم (صحیح است) قریب هفت هزار خروار فروختیم اما ماشین بوجاری خریدیم بنده يك اعتبار نامحدودی بانبار دادم گفتم اگر بخواهید ده هزار تومان اگر پنجاه هزار تومان اگر بخواهید دویست هزار تومان من میدهم هر قدر ماشین و آدم لازم است بگیرد و اینها را دانه دانه تمیز بکنید حتی چهارده رجه بالای هم میگذاشتند آن پائین ها يك قدری له میشد و آرد میشد ما بر داشتیم هفت هشت رجه کردیم من اخیراً در يك موضوعی در هیئت دولت عرض کردم که در فلان کار اگر چه ارتباطی با وزارت مالیه دارد بنده بی تکرانی نیستم نمیتوانم مسئولیت تمام قبول کنم و قسم بالاش بخورم که این درست است مثل انبار گفتم مثل انبار می خواهم بگویم انبار را مثل زدم گفتم انبار را میتوانم قسم بخورم

و قول بدهم چون يك چیزی است که بنده خودم دقت کرده ام و میتوانم مسئولیتش را قبول کنم و قول بدهم که چیز بدی نیست این جنس های زمان سابق نیست این جنس قدیم ترینش مال ۱۳۰۸ است مال ۱۳۰۹ را ما دست نزده بودیم حالا تقریباً نصف و بلکه صدی چهل از ۱۳۰۹ داخل میکنیم ترتیب قرارداد ما را ببلدیه خوب بود که در روزنامه چاپ بکنند قرارداد ما ببلدیه این است که در اول هر ماه يك کمیونی میشود نماینده بلدیه و نماینده وزارت مالیه و نماینده وزارت داخله باید در انبار بروند و بنشینند و آنها از انبار های مختلف جنس بیاورند و نمونه کنند و توی يك شیشه بریزند و سرش را بالاک مهر کنند و تمام ما را انبار مجبور است که از روی آن نمونه جنس بدهد به بلدیه اگر یکی را غیر از این بکند بلدیه حق دارد که شکایت بکند حالا اگر جنس طهران خوب نیست دلیلش این نیست که انبار جنس بد میدهد يك نکت نان طهران از انبار داده میشود ما تا امرداد امسال تقریباً سالی صد و بیست هزار خروار از ما کنترات داشتند که از انبار بگیرند در اینصورت چندین شکایت بود يك شکایت از این بود که برای مالکین حوزه طهران فرصتی باقی نمیماند که مالشانرا بفروشدند ما امسال مخصوصاً کسر کردیم کمتر کردیم صد و بیست هزار خروار اشتباه کردم شصت هزار خروار باین ترتیب که میگفتند صد و بیست هزار خروار مال طهران است شصت تایش را از ما بگیرند نصف را از جای دیگر امسال بلدیه آمد و گفت اولاً مال طهران صد و بیست هزار خروار نیست نود هزار خروار است نود هزار خروار راهم يك ثلثش را از شما میگیریم بنده قبول کردم که سی هزار خروار از ما بگیرند مادر زحمت نیستیم عجله نداریم و عنقریب هم تمام میشود و باز ممکن است یکی از آقایان بگویند چرا باین زودی فروختید چرا عجله کردید در خرورجش بله ماسی هزار خروار میدهم برای اینکه سی هزار خروار دیگر را از مالکین طهران بگیرند که مردم در زحمت نباشد و سی هزار خروار دیگر جنس خوبی است که بلدیه

میگوید جنس طهران تنها خوب نمیشود و در تابستان باید جنس ساوجبلاغ را داخل بکنند و الا این چیزهای فنی است که میگویند و بنده هم شنیده ام بنده نه خباز بوده ام نه انباردار. ولی اینرا میگویند این است که حالا فرصت خواهند داشت سی هزار خروار از خارج بیاورند و سی هزار خروار از مالکین طهران بگیرند فقط سی هزار خروار از ما بگیرند و تمام این جنس هم در مرداد سال آتیه بکلی تمام میشود و انشاء الله امیدواریم اسباب زحمت نشود که ما برویم و دوباره از جاهای دیگر علاوه بر جنس طهران جنس بخریم و انبار را پر کنیم. ما قانع هستیم بهمان جنسیکه از طهران بابت مالیات و خالصجات وارد میشود و آنرا ما با کمال آسانی میفروشیم و شاید ربع خوراک طهران باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
 رئیس - آقای ارباب يك یاد داشتی به بنده دادند که اظهارات ایشان موافق منظور ایشان گفته نشده است و برای توضیح مجال میخواهند. آقای ارباب.
 ارباب کیخسرو - چون در ضمن فرمایشات آقای وزیر مالیه فرمودند همان قسمتی که بنده عرض کرده ام (آن خسارتی که وارد آمده است ممکن بود تحمیل شود باشخاصی که جبران بشود) این را بنده این طور عرض نکردم یا اینکه بنده فرمایشات ایشان را درست ملتفت نشدم یا ایشان درست توجه بهرایض بنده نکردند. بنده سؤال کردم که در گذشته آیا جبران شده است یا نشده است مقصود بنده این نبود که برای آتیه بشود. در ضمن فرمایشاتشان هم فرمودند اگر مجلس مقید باشد که بداند چه خسارتی

وارد شده است ایشان خواهند فرمود. بنده تصور میکنم که با سوابقی که خودشان بحال مجلس دارند میدانند که مجلس مکلف است بداند. در آن قسمت که فرمودند خسارتی وارد آمده است بنده در آنچه که عرض کردم مقصودم هیچ اعتراضی نبود مقصود بنده این بود که چه مقدار خسارت وارد آمده است و چه کرده اند حالا هم تصور میکنم که باید يك روزی تکلیف آنرا دولت قانوناً معین کند. بنده در نظر دارم در اوقاتی که می آمدند و اجازه استقراض می خواستند که بعنوان فرضی به انبار بدهند برای خرید بالاخره وقتی که خسارت وارد آمد خسارت را باید يك کلاهی بر سرش بگذارند که این حساب در بوته اجمال نماند. مقصود بنده این سؤال بود و الا ایراد نبود. (کافی است)
 رئیس - موافقین با ماده واحده و ورقه سفید خواهند داد.
 (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هشتاد و ورقه سفید تعداد شد)
 رئیس - عده حاضره در موقع اعلام رأی هشتاد و نه با کثرت هشتاد رأی تصویب شد *

۵- تصویب لایحه اعتبار تاسیس کارخانه برق مؤسسات دولتی طهران

خبر کمیسیون بودجه راجع بخرید کارخانه چراغ برق وزارتخانه ها قرائت میشود
 خبر کمیسیون
 لایحه نمره ۳۱۴۶۵ دولت راجع بتأسیس کارخانه چراغ برق برای ادارات دولتی واقعه در خیابان ارك و اطراف خیابان مزبور و اجازه مبلغ بیست و پنج هزار تومان قرضه برای این منظور در کمیسیون بودجه مطرح نظر بتوضیحاتی که آقای وزیر مالیه در لزوم این قسمت

- * اسامی رأی دهندگان - آقایان : دکتر سمعی - تربیت - مقدم - تقة الاسلامی - اسفندیاری - امیر عسری - لیتوانی اعتبار - اقبال - نواب - ناصری - لاریجانی - مجد ضیائی - محمد علی میرزا دولتشاهی - مسعودی خراسانی - دادور - فتوحی - ابراهیم خان قوام - دبیر سهرابی - کیخسرو شاهرخ - ساکنیان - رهبری - طالش خان - شریفی - مزهدی - بیات ماکو - چاپچی - فرشی - اسمعیل قشقائی - خواجوی - علوی سبزواری - مؤید احمدی - موقر - فهیمی - دکتر لقمان - دکتر ملکزاده - کفائی - انسر - اسدی - میرزا محمد حسین نواب - دکتر ضیائی - منتضدی - مخبر فرهند - ملک آرائی - شریعت زاده - ملک زاده آملی - هزار جریبی - کازرونی - دکتر شیخ - محمد تقی خان اسعد - مولوی - حسن علی میرزا دولتشاهی - مفتی - حبیبی - میرزا بانس - دبستانی - امیر حسینیان بختیاری - میرزا محمد خان وکیل - امیر تیمور - طباطبائی دیا - حاج محمد رضا بهبهانی - وهاب زاده امیر دولتشاهی - افغنی - ایزدی - بوشهری - ازگانی - افشار - روحی - سید کاظم یزدی - ملک مدنی - رهنما - آدینه جان بار علی یونس آقا وهاب زاده - حیدری - فروزی - طهرانی - عراقی - درانی - مسعود ثابتی

و همچنین منافع و فوائد آن برای ادارات دولتی دادند کیسیون بایشتهاد دولت موافقت نموده و با جزئی اصلاح عبارتی اینک رایورت خود را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد

ماده واحده - دولت مجاز است تحت تصدی وزارت مالیه مبلغ بیست و پنج هزار تومان از بانک ملی بیاثر محلی که مقتضی میدانند جهت تاسیس چراغ برق برای ادارات دولتی قرض نموده و اعتبار رد قرض مذکور را متناسب استفاده که ادارات مذکور از آن مینمایند در بودجه ۱۳۱۱ ادارات مربوطه پیش بینی نماید.

رئیس - آقای طهرانی

میرزا حسین خان طهرانی - بنده حقیقتاً نمیدانم این برای چیست؟ اولاً ادارات دولتی شبها کار نمیکنند روزها کار میکنند و قرضاً که شب باشند تا یکساعت دو ساعت از شب گذشته ممکن است کار کنند خوب اگر چراغ برق حقیقتاً خراب است چه فرق میکند مردم با ادارات دولتی باید سعی کرد چراغ برق اصلاح شود يك کار خانه چراغ برق در طهران است و کارخانجات دیگری هم هست اینها باید تکمیل شوند دولت يك توجهی باید بکنند که زیادتیر شود و تا صبح کار کنند و همه مردم استفاده کنند ادارات دولتی هم در ضمن استفاده کنند این چه مغایرتی بین مردم و ادارات دولتی است که ادارات دولتی برای خودش چراغ برق بیاورد این هیچ لزومی ندارد بنده تصور میکنم دولت باید اهتمام کند در اصلاح و تکمیل همین چراغ برق که هم مردم در رفاه باشند هم خود دولت و موسساتی که احتیاج دارند چراغ داشته باشند این که يك اعتباری میگیرید و چراغ برق مخصوص بیاورید این مغایرتی است بین مردم و دولت و این خوب نیست

وزیر مالیه - بنده نمی دارم آقا اول بخود لایحه توجه بفرمائید تا درست معلوم شود که منظور ما چیست بعد درش بحث کنند دولت در کار چراغ برق و غیر چراغ برق یا خودش برای خودش چراغ برق تهیه بکنند یا نکنند

گفتگو کرده است و باو گفته است برای خودت شريك پیدا کن هر کاری میخواهی بکن این چراغ برق را راه بینداز و آخر هم که راه بیندازد البته امتیاز و امضاء دولت محترم است و ابراد قانونی هم بيك ماده امتیاز هم ندارد بله اینها همه صحیح است اما بيك ابراد انسانی هست که آن کاملاً مطابق با قانون است يك ابراد بین المللی هست يك ابرادیکه صرف حق و قانونی است و این عبارت از این است که هر امتیازی در مقابل آن ملغی است و آن این است که صاحب امتیاز باید از عهده کار بر بیاید (صحیح است) و مطابق روح امتیاز عمل کند حالا من کاری بان ندارم الان هر آدم معمولی و صاحب مغازه بزرگ و بانکی آمده و يك ماشینی در دکان خودش گذاشته و چراغ برقی میدهد برای چه برای اینکه اولاً آن چراغ دائرنیست و باید دائرش کرد ثانیاً با بزن ندارد ثالثاً تمام بیست و چهار ساعت دائرنیست را بعا کران تمام میشود (صحیح نیست) هر کسی میتواند این کار را بکند. خوب آقایان که ناظر مالیه مملکت هستند اجازه نمیدهند که در بودجه دولت صرفه جوئی کنند؟ اگر از يك جائی ذغال بگیرد مثلاً از بازار بگیرد و خرور خرور گران تمام میشود این را اگر يك جا از معدن شمشك بگیرد و ارزان تر تمام شود و سالی ده هزار تومان بیست هزار تومان فایده ببرد آیا این خوب نیست؟ چرا اجازه نمیدهند؟! ما میخواهیم يك چیزی دائرنیست کنیم اصلاً برای چراغ برق اجازه بمجلس نیامد زیرا هر کسی حق دارد ما اعتبار میخواهیم لطف بفرمائید و اعتبار بدهید که با این اعتبار ما بتوانیم شبها بهمه ادارات دولتی چراغ برق بدهیم و در تابستان هم که چراغ برقی در شب نیست باد بزن برای آن هوای سوزان تابستان تهیه کنیم علاوه بر این با همین خرجی که الان میشود تقریباً با همین سرمایه اش را درست میکنیم و از سالهای دیگر نك این خرج میشود هر چه که ما بمجلس می آوریم که يك تومان از مخارج دولت کسر می شود البته آقایان باید با کمال میل رأی بدهند (صحیح است)

هر وقت که يك چیزی می آوریم که خرجهان را کم میکند بنده این را بقدری بدیهی میدانم که انتظار داشتم ابراد نفرمایند که چرا تا بحال نکرده اند و واقعاً هیچ نوع ابراد و بحثی هم در این کار نیست محض امتیاز و ملاحظه صاحب امتیاز (چون صاحب امتیاز ایرانی است و باید منفعت هم بکنند) بنده با آقایان میتوانم اطمینان بدهم که اگر صاحب امتیاز يك چراغ برقی در طهران دائرنیست کرد که قوی و یر نور بود و بیست و چهار ساعت هم کار کرد و ارزان هم تمام شد ما کارخانه خودمان را فروخته و پولش را جایش میگذاریم شما الان که جائی میروید و میهمانی است می بینید که نور چراغ کم می شود ضعیف میشود میگویند تلفن بکنید تلفن میکنند میگویند صبر کنید مال حاج محمد جعفر را باز میکنیم مال شما یر نور میشود (خنده نمایندگان) این چراغ برق است؟!
رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده تصور میکنم آقای وزیر مالیه درست توجه ببینان آقای طهرانی نفرموده اند بیانات آقای طهرانی این نبود که وارد شوید در امتیاز یا در طریق و تأیید امتیاز یا اینکه چراغ برق در طهران خوبست یا نیست اصلاً گمان میکنم هیچ نظر ایشان این نبود مثل اینکه نظر بنده هم این نیست این يك موضوع دیگری است موضوع این است که آیا ادارات دولتی محتاج باین چراغ برق هستند یا نه برای اینکه دوائر دولتی اولاً تا چهار و پنج بعد از ظهر بیشتر کار نمیکنند شب که مطلقاً کار نمیکنند اگر بعضی ادارات بعضی اوقات با يك اداره در يك وزارتخانه لازم داشته باشد که شب يك چراغ روشن کند يك دانه لامپا میگذارد و هیچ لزومی ندارد که این خرج را بکنند (بعضی از نمایندگان - باد زن چطور) عرض کنم باد بیزن هم که تا بحال معمول نبوده است حالا هم لازم نیست مستخدمین هم صبح تا ظهر کار میکنند این يك چیز لازمی نیست و چیز تقنینی است و اینکه آقای وزیر مالیه اظهار کردند که ما این را برای صرفه جوئی آورده ایم بنده این را قبول ندارم و عقیده دارم که این

خودش يك خرج زيادی است برای اینکه بعد ما هم در هر ماه یا صد تومان خرج این موتور خواهد بود مکانیسین و فلان و خرجهای دیگر میخواهد بدهد بنا بود که دوائر دولتی عموماً هر شب کار میکردند این حرف صحیح بود ولی ادارات دولتی شب کار نمیکنند اتفاق میافتد که مثلاً اداره استخدام يك شبی در سال یا ماه ممکن است کار فوق العاده داشته باشد تا دو ساعت از شب رفته بنشینند کار کنند یا آقای وزیر خودش کمیونی داشته باشد برای انجام يك کاری در ماه يك دفعه يك چراغی لازم داشته باشد برای يك همچو امر اتفاقی معنی ندارد که وزارت مالیه لایحه بیاورد و بیست و پنجهزار تومان خرج کند که چراغ برق تهیه کند و يك اداره عریض و طویلی هم برای چراغ برق ادارات پیش بینی کنند آنوقت بعدش يك اعتبار دیگر بیاورند از برای دستگاه توزیع برق برای ادارات دولتی ممکن است که يك شبی از وزارت داخله تلفن کنند برای دستگاه چراغ برق بوزارت مالیه که امشب ما میخواهیم تا یکساعت از شب رفته کار کنیم اجازه بدهید اگر میخواهید هر شب کارخانه چراغ برق کار کند که کاری ندارد چنانچه اغلب جاها می بینید که تاریک است و بسته است و کاری ندارند (بگفتند از نمایندگان - وزارتچنگ کار میکنند) بلی صحیح است آنجا هم جدا از این محل است بعضی اوقات است آنوقت باید خرج سیم کشی آنرا معین کنید برای اینکه تمام دوائر که یکجا نیست وزارت عدلیه وسط خیابان لاله زار است وزارت معارف اینطرف است فلان جا فلان طرف است بنا بر این باز چراغ برق برای ادارات دولتی لزومی ندارد حالا باینکه کارخانه چراغ برق حاج امین الضرب خوب کار میکند یا کار نمیکنند هیچ این را ما کار نداریم ما می خواهیم که بدانیم اصلاً چراغ برق برای دوائر دولتی لازم هست یا نیست و در صورت لزومش آیا صرفه با صورت حاضر است یا اینکه خیر باید کارخانه و موتور بیاورند این را ما میخواهیم بفهمیم

که از هر خرجی که میتوانیم کسر بکنیم یا صدی بیست صدی سی صد چهل دو نلش را کسر بکنیم بکی از آن چیزها هم این است بکی دیگر اینکه با چراغ برق بهتر میشود کار کرد و روشن تر است و اگر چنانچه بخواهند بیست نفر با هم کار بکنند بیست تا چراغ و لامپا لازم دارند تا آدم اطرافش را ببیند خوب مجلس اگر چراغ برقش خراب شود باید روی هر يك از این پله ها يك چراغ نفتی بگذارند (کافی است)

رئیس - آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۶۹ ورقه سفید تعداد شد)
رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی هشتاد و پنج نفر با کثرت شصت و نه رأی تصویب شد ✽

[۵ - اقتراح برای شرفیابی بمناسبت عید مبعث]

رئیس - روز سه شنبه مصادف است با روز مبعث که یکی از اعیاد معظم است میبایستی که با قرعه دوازده نفر برای شرفیابی معین کنیم (اقتراح بعمل آمده آقایان مفصله الاسامی ذیل معین شدند)
آقایان : عراقی - میرزا محمد علی خان تربیت - یونس اقا وهاب زاده - آصف - محمد تقی خان اسعد - ملک مدنی - ساکینیان - دکتر شیخ - فتوحی - دکتر امیر اعلم - امیر ابراهیمی - بوشهری

[۶ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه آینده پنجشنبه هیجدهم آذر سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی رأی دهندگان - آقایان : شریعت زاده - چایچی - محمد ناصر خان قشقایی - اورنگ - دبیر سهرابی - اعتبار - مؤید احمدی - دکتر شیخ - علوی سبزواری - نجبر فرمند - اسدی - امیر تیمور - انسر - دبستانی - حبیبی - فرش - مفتی - محمدعلی میرزا دولتشاهی - مجد ضیائی - صفاری - شریفی - رهبری - سید کاظم بزدی - اسمعیل خان قشقایی - کبکسرو شاهرخ - حسین قلی خان نواب - دادور - آدینه جان پارعلی - فتوحی - فهیمی - ملک مدنی - دهستانی - اقبال - عراقی - محمد تقی خان اسعد - مسعودی خراسانی - ساکینیان - طباطبائی دیا - میرزا یانس - ملک آرائی - امیر دولتشاهی - طالش خان - کفائی - افخمی - مولوی لاریجانی - ننه الاسلامی - وهاب زاده - بقوانی - حیدری - خواجوی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - بیات - ماکو - باستانی - دکتر لقمان میرزا محمد حسین نواب - دکتر ضیائی - میر سید محمد مجتبی - دکتر ملک زاده - ناصری - مقدم - حاج محمد رضا بهبهانی - طهرانچی - ارگانی - افشار - دربانی - فروزی - امیر عامری

قانون

اصلاح قانون سجل احوال

ماده واحده - مواد ۷ و ۸ و ۹ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مرداد ماه ۱۳۰۷ نسخ و بجای آنها مواد ذیل تصویب و ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود.

ماده ۷ - پس از انقضاء یکسال از تاریخ اجراء مقررات راجعه بسجل احوال در هر حوزه کسانیکه ورقه یا کتابچه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که برطبق مواد ۱ و ۴ و ۵ و ۶ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ بمعهده آنها قرار گرفته انجام ندهند علاوه بر اینکه بموجب حکم محکمه محکوم بانجام تکالیف مزبوره میشوند بحبس تأدیبی قابل امتیاع نیز از هشت روز تا دو ماه از قرار روزی از پنج تا پنجاه قران محکوم خواهند گردید و در صورتی که خود آنها تاده روز بعد از ابلاغ حکم قطعی تکلیف خود را راجع باسناد سجلی و باثبت واقعه انجام ندهند مأمورین نظمیہ در شهر ها و مأمورین امنیه در قسبات و قراء آنها را برای انجام تکلیف نزد مأمورین سجل احوال محل حاضر خواهند نمود

اشخاصی که قبل از اجراء این قانون تکالیف مزبوره را انجام نداده باشند در صورتیکه تا دو ماه از تاریخ اجراء اینقانون بتکالیف قانونی خود عمل کنند از تعقیب آنها صرف نظر میشود و الا مشمول مقررات این ماده خواهند بود

ماده ۸ - هرگاه اختلافی راجع باسناد سجل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محکمه ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محکمه صالح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محکمه مزبور اسناد مذکور بموجب حکمی ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مزبور میتوانند بتصحیح آن اسناد امر صادر کنند در اینصورت مأمور سجل احوال رای محکمه را در دفتر مخصوصی ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و برطبق رای مزبور ورقه جدید صادر می نماید

در ورقه جدید باید این نکته قید شود که بموجب حکم محکمه و برای اصلاح ورقه سابق صادر شده است حکمی که بموجب این ماده صادر میشود فقط در باره متداعیین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است

تبصره ۱ - هرگاه اوراق سجل احوال از حیث مقررات مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض اداره نظام وظیفه یا اداره سجل احوال گردد بطریقی که به موجب ماده ۹ مقرر است رفتار خواهد شد

تبصره ۲ - اشتباهاتی را که ممکن است در تنظیم اوراق سجل احوال از طرف اداره مربوطه بعمل آمده باشد میتوان با موافقت اداره سجل احوال و صاحب ورقه تصحیح نمود لیکن این تصحیح در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود

تبصره ۳ - اگر در دعوائی که برای تصحیح اوراق سجل احوال در محکمه اقامه می شود اداره سجل احوال مستقیماً سمت مدعی یا مدعی علیه را نداشته باشد محکمه مکلف است دوسیه را با اداره سجل احوال ذی مدخل احاله نماید و اداره مزبوره باید فوراً عقیده خود را کتباً با دوسیه امر بمحکمه تسلیم کند و محکمه پس از ملاحظه عقیده اداره مزبور مطابق مقررات قانونی حکم مقتضی را صادر مینماید

ماده ۹ - نسبت باوراق هویتی که از طرف اداره کل نظام وظیفه یا اداره کل احصائیه و سجدل احوال در هر حوزه اعم از مرکز و ولایات از حیث مقررات مربوطه بنظام وظیفه مورد اعتراض واقع شود بوسیله هیئتی مرکب از حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده احصائیه و سجدل احوال و یکنفر طبیب بانتخاب اداره نظام وظیفه و یکنفر معتمد محلی که با تصویب مأمورین مزبور دعوت میشود رسیدگی و راپورت آن با دوسیه مربوطه بطهران ارسال می گردد

در مرکز هیئتی مرکب از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و یکنفر طبیب بانتخاب اداره نظام وظیفه و یکنفر طبیب بانتخاب صحیه کل مملکتی و مدعی العموم ابتدائی با نمایندگی او بر راپورت مزبور رسیدگی خواهد کرد و رأی هیئت فوق الذکر که با اکثریت قطعی خواهد بود ابلاغ و مدلول آن در روی ورقه هویت و در ستون ملاحظات دفاتر مربوطه قید میشود لکن این رأی فقط از نقطه نظر مقررات راجعه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود

اوراقتی که تا تاریخ اجرای اینقانون در محاکم عدلیه نسبت بانها رسیدگی به عمل آمده و احکام قطعی صادر گردیده و همچنین اوراقتی که در کمیسیون های تجدید نظر بر طبق قانون سابق مورد رسیدگی واقع شده و تکلیف قطعی آنها معین و رأی کمیسیونهای مزبور بموقع اجرا گذاشته شده است مشمول مقررات فوق نخواهد بود.

تبصره - اگر مأموری برخلاف حقیقت و قانون شخصی را مورد تعقیب قرار دهد شخص ذی نفع میتواند بموجب قانون ۲۳ امرداد ۱۳۱۰ به محکمه مربوطه شکایت نماید و در صورت ثبوت بهان مجازات مقرر در ماده پنج قانون مذکور راجع به مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه محکوم خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه یازدهم آذر ماه بکھزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بمصارف مربوطه بسال ۱۳۱۰ انبار غله

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود عایدات ۱۳۱۰ انبار غله مرکزی را بابت اجناس مؤسسه ارزاق سابق که در حدود هفتاد و پنج هزار تومان پیشبینی شده است جزو عایدات ۱۳۱۰ بودجه مملکتی بجزانه دولت منتقل نموده و معادل مبلغ مذکور بر اعتبارات بودجه همانسال خود افزوده و از آن محل کلیه مصارف مربوطه بان سال انبار غله را بپردازد.

اینقانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه یازدهم آذر ماه بکھزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه استقراض بیست و پنج هزار تومان جهت تأسیس چراغ برق ادارات دولتی

ماده واحده - دولت مجاز است تحت تصدی وزارت مالیه مبلغ بیست و پنج هزار تومان از بانک ملی باهر محلی که مقتضی میدانند جهت تأسیس چراغ برق برای ادارات دولتی قرض نموده و اعتبار رد قرض مذکور را بتناسب استفاده که ادارات مذکور از آن مینمایند در بودجه ۱۳۱۱ ادارات مربوطه پیشبینی نماید.

اینقانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه یازدهم آذر ماه بکھزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر